

ارغوا

کارگاه هنرجویان تقدیرسازانه

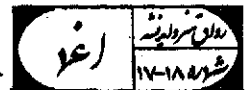
● به کوشش: محسن کریمی

شامخ ترین مقام در جهان امکان، مقام انسانیت و خلیفه الهی است که فرشتگان در برابر آن خضوع می کنند و شیطان هم، راهزن این مقام است و می کوشد تا انسان های عادی را از طی راه مستقیم باز دارد.

این موضوع نشان از اهمیت ویژه شناخت شیطان و کمین گاه های او و نیز پی بردن به راهکارهای مناسب برای مبارزه با این شیطان قسم خورده دارد. از این رو، پرداختن به این موضوعات نیاز جدی جامعه اسلامی و دارای ارزشی بسیار است و تلاش دست اندرکاران سریال اغماص که در این جهت و به این منظور این سریال را ساخته اند جای تشکر دارد. این سریال از نظر کارگردانی و فیلمنامه ای از کیفیت مطلوب تری نسبت به سریال های ماه مبارک رمضان سال های گذشته برخوردار بوده و توانسته است به تمدادی از راه های نفوذ شیطان و جدی بودن خطر او برای انسان ها بپردازد. هر چند در مسیر پژوهش این سریال اشکالاتی دیده می شود که در محتوا و در نتیجه ساختار داستانی آن سرایت کرده است.

از آن جا که کارشناس محترم این سریال دیدگاه های بیان شده در آن را منطبق بر نظرات آیت الله عبدالله جوادی آملی معرفی نموده اند، ما سعی می کنیم نقد خود را بیشتر با استناد به نظرات این عالم بزرگوار مطرح نماییم. آنچه در این نقد بیان می شود، هیچ کدام به این معنا نیست که نکات مثبت این سریال مانند نکات مثبت تماتیک: عداوت شیطان با انسان، مکر شیطان، بی نیاز نبودن از احکام و ضوابط شرعی در هر صورت و... و نکات ساختاری مانند بازیگری های خوبه استفاده به جا از عدسی و زاویه فیلم برداری و نور پردازی و موسیقی و... نادیده گرفته شده است. نقد این گونه سریال ها نه تنها نباید در تلاش سازندگان آن ها و در ادامه این مسیر خللی پدید آورد بلکه می بایست آنان را به ادامه راه و جستجوی راهکارهای مناسب تر و سالم تر ترغیب نماید.

۱. جوادی آملی، تسنیم، ج ۲، ص ۳۹۰



چون سازندگان اذعان دارند که سریال بر اساس آموزه‌های مذهبی ساخته شده است، به این نتیجه می‌رسیم که با یک فیلم تخیلی روبه‌رو نیستیم و باید انتظار داشته باشیم که عنصر شیطان در آن و حضور و روابطش با افراد بر اساس دیدگاه‌های دینی باشد. البته در مواردی این گونه هست ولی در مواردی با آموزه‌های دینی هم‌خوانی ندارد.

۱. ماجراهای این سریال در ماه مبارک رمضان اتفاق می‌افتد که زمان مناسبی برای آن نیست. بر اساس آیات و روایات بی‌شمار، این ماه، ماه رحمت و مغفرت الهی است و شیطان در آن در غل و زنجیر است. در حالی که تا اواخر این سریال نیروهای شیطانی بر جهان این داستان احاطه دارند و کار چندانی از نیروهای مثبت و رحمانی داستان مانند دختر دکتر پژوهان، دکتر بردیا، دکتر نایینی و در نهایت پیر بابا بر نمی‌آید. چنین امری در دیگر ایام سال نیز از آموزه‌های اسلام به دور است و اولیای الهی و شیعیان و پیروان آن به منزله افرادی دست بسته و مقهور نیستند ولی این مطلب در ماه مبارک رمضان بیشتر و قوی‌تر است.

درباره تمثیل شیطان و امکان رویت او آیت الله جوادی آملی در کتاب تسنیم جلد دوم، صفحه

۱۵۳ می‌فرمایند:

شیطان، دشمنی است که انسان‌ها را می‌بیند و می‌پاید و از جایی که گمان نمی‌برند به آنان تهاجم می‌کند. در حالی که انسان‌هایی که در معرض وسوسه و آسیب شیطانی هستند ابلیس و جنود او را نمی‌بینند آنه یریکم هو و لیلیه من حیث لا ترونهم^۲ در این صورت هیچ پناهگاهی جز استعاذه به ذات اقدس خداوند نیست.

در کتاب تفسیر نمونه، ذیل این آیه آمده است:

جمعی از مفسران از آیه بالا چنین استفاده کرده‌اند که شیطان برای انسان به هیچ وجه قابل رویت نیست، در حالی که از پاره‌ای از روایات استفاده می‌شود که چنین امری احیاناً ممکن است. ولی ظاهراً این دو با هم متناقض ندارند. ولی این قاعده مانند بسیاری از قاعده‌های دیگر موارد استثنایی دارد.^۳

علامه طباطبایی و آیت الله جوادی آملی ذیل این آیه شریفه حتی به موارد استثنا نیز اشاره‌ای نکرده‌اند و پس از تفحص در متن کتاب‌های آیت الله جوادی آملی نیز ما موردی را که نشان دهد تجسد و یا تمثیل شیطان برای انسان‌ها به صورت امری عادی امکان دارد نیافتیم.

بنابر آن چه بیان شد، اصل این است که شیطان از راه وسوسه درونی و نه تجسد و یا تمثیل انسان را می‌فریبد و استثنائاتی را که در تاریخ ذکر شده‌اند به اولیای خاص الهی آن هم در موارد معدود و یا در برهه‌های حساس مانند سقیفه اختصاص دارد. نمی‌توان این گونه موارد استثنایی را به همه انسان‌ها تعمیم داد و بر اساس آن حضور این گونه‌های شیطان را در ماجراهای مختلف و شکل‌های گوناگون و همراه با افرادی متفاوت به عنوان حقیقت به نمایش گذاشت.

در این فیلم این نوع حضور شیطان مشاهده می‌شود؛ در مواردی قطعاً تجسد و در مواردی نیز تمثیل آن هم برای انسان‌هایی مانند یک دختر معناد یا یک قاچاقچی مشروبات الکلی یا دکتر

متدین.

۲. اعرافه آیه ۲۷

۳. مکارم شیرازی، ناصر. تفسیر نمونه.

ع ۶ ص ۱۴۰



در این سریال از تجسد و تمثل یا فراتر گذاشته شده است. در مواردی حلول شیطان در قالب رُز قدیانی مشاهده می‌شود زمانی که دکتر پژوهان می‌خواهد رز را جراحی کند، شیطان از راه جسم رُز سخن می‌گوید و دکتر را برای عمل جراحی راهنمایی می‌نماید و نیز در قسمتی دیگر می‌بینیم که رُز در حالت بیهوشی بر می‌خیزد و می‌نشیند و شیطان از راه چشمان و نگاه او صحنه را می‌نگرد. همین‌طور نماهای نقطه نظر^۴ از بیماران مختلف که در حالت اغما و بیهوشی هستند بنابر منطقی که فیلم ایجاد کرده است - نماهای نقطه نظر با عدسی و نورپردازی خاص به شیطان اختصاص دارد - برداشت حلول شیطان در بیماران را تقویت می‌کند.

در تفکر اسلامی شیطان اساساً نه از راه تمثل و تجسد و یا حلول بلکه از راه وسوسه، اغواء، تزیین و فریب عمل می‌کند و از این راه برای خود بر اساس میزان تبعیت طایفه جن یا انسان برای خود جنود و یارانی یا سلسله مراتب ایجاد می‌کند که به تعبیر روایات آن‌ها چشم، گوش، دست و سپاه او می‌شوند. شیوه عمل جنود شیطان نیز بر همین اساس است.

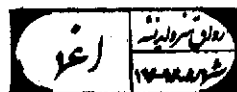
۲. درباره میزان قدرت شیطان و میدان عمل شیطان، آیت الله جوادی املی در جلد هشتم کتاب تسنیم می‌فرماید:

در دستگاه الهی و نظام هستی، شیطان کلب مملوم است، نه سگ هرزه که هر کس را بگزرد. او اگرچه فرمان‌خداوند را به سجده برای آمدن(ع) عصیان کرده، لیکن در تکوین نمی‌تواند عصیان کند.^۵

به نظر می‌رسد در این سریال قدرت تصرف تکوینی برای شیطان به وجود آمده است. یکی از آن موارد، راهنمایی دکتر پژوهان برای درمان تومور مغزی رز قدیانی است. تصرف در مرگ همسر دکتر پژوهان نیز از آن موارد است. وقتی که عمل جراحی خانم دکتر پژوهان تمام می‌شود، همه به هم تبریک می‌گویند و می‌روند. آن‌گاه دروین که در این صحنه چشم شیطان است حرکت می‌کند و بر روی دستگاهی که ضربان قلب آن خانم را نشان می‌دهد می‌ایستد و با رسیدن آن ضربان قلب به صفر می‌رسد و گویی شیطان موجب مرگ او می‌شود. شیطان سگ

4. POV

۵. جوادی املی، تسنیم، ج ۸، ص ۵۰۶





دست آموز درگاه الهی است که تنها با اجازه خداوند می تواند انسان ها را از راه نفس آنان وسوسه کند و قدرتی که در این سریال از شیطان به نمایش گذاشته شده است بسیار وسیع تر از وسوسه است. نمونه بارز آن، آوردن خبرهای غیبی او برای دکتر پژوهان و گمراه ساختن او از این راه است. البته شیطان می تواند با استفاده از فکر و اندیشه و عمل و قدرت انسان ها که ولایت او را پذیرفته اند انسان های دیگر را گمراه سازد ولی این با اخبار غیبی به طور مستقیم بسیار متفاوت است.

به همین دلیل این موجه است که به دکتر پژوهان حق بدهیم. زیرا شیطان شرایط و حوادث را برای او آن گونه سامان می دهد که او مجبور می شود به خاطر عمل به شرع مقدس راه او را

دنیال کند و هر فرد دیگری نیز به جای او بود، این اتفاق برایش می افتاد، مگر این که دارای قدرت ماورایی باشیم تا بدانیم او واقعاً شیطان است.

شیطان در قالب دوست صمیمی و مومن دکتر پژوهان ظاهر می شود و پازل حوادث را آن چنان می چیند که شکی در دکتر پژوهان باقی نمی ماند که این پازل را باید به صورت دیگری مرتب نمود.

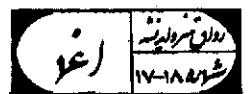
آیت الله جوادی آملی در جایی دیگر می فرمایند:

یادآوری این نکته لازم است که عامل قریب نفوذ شیطان در اندیشه آدمی، نفس اماره اوست. اگر نفس اماره که عامل نفوذی ابلیس است نباشد، نظیر این است که سمی وارد دهان شود، ولی به دستگاه گوارش او نرسد یا دستگاه گوارش آن را قبول نکند.

۳. در این سریال، ابلیس در قبرستان نزد دکتر پژوهان می آید و از این فرصت مناسب که غم از دست دادن همسر دکتر پژوهان بر قلب و جان او چنگ انداخته است در او نسبت به خداوند و عدالت او شک ایجاد می کند ولی این شک پس از نماز و توبه دکتر - که گویی در فاصله کوتاهی از آن رخ می دهد - دیگر در سریال رد پای ندارد. ولی چون *الیاس واقعی* را می شناسد و شیطان در قالب جسم او تجسد یافته و نیز *الیاس واقعی* تومور مغزی خود را با دعا درمان نموده است و اکنون نیز در این قالب از امور ماورایی خبر می آورد که دکتر نظاره گر صحت آن هاست به یار شیطان تبدیل می شود تا افرادی را از مرگ نجات بخشد و افرادی را به سوی مرگ رهنمون شود.

۶ جوادی آملی، تسنیم، ج. ۳، ص ۳۶۴

۴. مرگ و زندگی تنها به دست خداوند است و شیطان که قدرتی جز وسوسه درونی در برابر انسان ندارد، نمی تواند برای آن برنامه ریزی کند. در سریال اغما شیطان در زندگی انسان ها و شکل گرفتن روابط آن ها تدبیر و تنظیم صورت می دهد؛ این که وقایع چگونه به دنبال هم بیایند تا او به هدف و خواسته خود برسد. البته این تدبیر چیزی فراتر از وسوسه است. مروری بر صحنه های تند راندن و گاهی کند راندن ماشین و تعیین جهت حرکت ماشین توسط رز قدیانی که در اثر القابات شیطان صورت می گیرد تا به تصادف با دختر دکتر پژوهان منجر شود، تا دختر پژوهان دچار آسیب دیدگی نخاعی شود، تا در نهایت دکتر پژوهان از جراحی پیر بابا منصرف شود و مجبور شود دخترش را جراحی کند تا پیر بابا بمیرد، نشان می دهد ترتب این مراحل چیزی بیش از اغوا و وسوسه بوده و نمونه آشکاری از تدبیر شیطان در برابر نصوص محکم و معتبر درباره تدبیر و تقدیر الهی است. همین طور است صحنه های مربوط به تنظیم امور برای وادار کردن قاچاقچی مشروبات الکلی - که حالا متهم به قتل است - برای دزدی از خانه دکتر بردیا و کشتن او.



ما جای پای هوای نفس را در پذیرش وسوسه های شیطانی دکتر پژوهان مشاهده نمی کنیم. او واقعا اطمینان یافته است که مسیر درستی را می پیماید و هیچ الهام و جنود رحمانی وجود ندارد تا او را از این موضوع و شیطان بودن الیاس مطلع سازد. اگر شیطان واقعا بتواند در قالب انسان هایی پاک و برگزیده ظاهر شود و با کسانی که با آن انسان پاک ارتباط داشته اند همراه گردد و نتوان او را به راحتی شناخت، برای ما رسیدن به حقیقت و واقمیت ها، تکلیف بما لایطاق خواهد بود.

در وجود دکتر پژوهان کینز دیده می شود ولی این صفت آن قدر در وجود او پررنگ نیست که همه این تصمیمات و دنباله روی شیطان را بر آن اساس در او توجیه کند. در این فیلم دیده می شود که شیطان هوای گروهی را دارد و سعی می نماید آنان را از مرگ نجات بخشد و عده دیگری را به سوی مرگ رهنمون سازد. ممکن است این برداشت در ذهن گروهی از مخاطبان ایجاد شود همان طور که می توان به خداوند پناه برد، انسان ها می توانند برای رسیدن به نیازهای مادی خود یا دست کم نجات یافتن از شر شیطان، از او یاری طلبند.

آیت الله جوادی آملی می فرمایند:

نماز که مناجات ویژه نماز گزار با خداست، حرم الهی محسوب می شود. از این رو، ابلیس از هراس شهاب ثاقب حریم می گیرد و در محاوره محرمانه عبد و مولا وارد نمی شود.^۷

در حالی که در این سریال عکس این موضوع دیده می شود. الیاس که ظاهراً در این جا از جنود ابلیس است، زمانی به سوی دکتر پژوهان می آید که دکتر از شک ها و تردیدهای خود در رابطه با عدالت و وجود خداوند استغفار می کند و مشغول مناجات با خداست و باران، نماد رحمت الهی بر زمین می بارد.

این سریال که هیمنه قدرت شیطان را این گونه بیان می کند ممکن است در مخاطبانی این تلقی را ایجاد کند که در برابر خداوند به عنوان نیروی خیر نیروی دیگری نیز به نام شیطان وجود دارد که نیروی شر است. در حالی که جز قدرت خداوند قدرتی وجود ندارد و شیطان نیز جز به اذن الهی نمی تواند کوچک ترین حرکتی داشته باشد و بر اساس آیات قرآن، آن جا که شیطان از سجده بر آدم سر باز می زند، چنین اذنی به او داده نشده و تنها اذن اغوا و فریب^۸ به او داده شده است.

۷. جوادی آملی، نسیم، ج ۴، ص ۱۷۲
۸. حجر، آیه ۲۸

